

سخن سردبیر

شورای نقد متون و کتب علوم انسانی و نقد نام کنگره متخصصان علوم اطلاعات

آموزش دارای سه رکن عمده است: استاد (معلم)، کتاب و دانشجو. در این سه مورد زیاد سخن گفته شده؛ ولی هر چه گفته و نوشته شود باز به قول معروف «از هر زبان که می‌شنوی نامکّر است». استاد است که دانشجو را پرورش می‌دهد؛ هم درس می‌دهد و هم تربیت می‌کند و راه برخورد با مسائل را نشان می‌دهد. در واقع علم، پیشرفت را عهده‌دار است و تربیت، برون‌رفت را و این هر دو وظیفه مهم کار استاد و معلم است.

دنیای امروز به دنبال پیشرفت است، ولی این پیشرفت سریع و به اعتباری جنون‌آسا مشکلاتی را به وجود می‌آورد که باید از آن بیرون رفت و تربیت و تجربیات تربیتی است که راه خروج از گرفتاری‌ها را نشان می‌دهد که از آن به شدت غفلت می‌شود. غول فناوری همه چیز را عوض کرده و دنیای دیجیتال سبک زندگی جدیدی به وجود آورده که همه را از خرد و کلان درگیر کرده است. اینکه روانشناسی رونق می‌گیرد یا اخلاق دوباره مطرح می‌شود به خاطر ناهنجاری‌های به وجود آمده از این پیشرفت‌های سریع علم و فناوری یک جانبه است.

اگر زمینه مستعد باشد دانشجو استعدادهای خود را بروز می‌دهد و اگر زمینه مساعد نباشد به خاطر نظام بد آموزشی همانی را انجام می‌دهد که جامعه از او می‌خواهد. دانش آموختن برای آن کسی که علاقه‌مند است هم شیرین است و هم دشوار. برای تحصیل آن باید زحمت کشید. جمع‌آوری اطلاعات بدون شناخت منبع و مأخذ و بدون داشتن تحلیل و نقد، دانش آموختن نیست بلکه محفوظاتی است که به سرعت از دست می‌رود و با محفوظات دیگر جایگزین می‌شود. به عنوان نمونه بسیار شده است در وب‌سایت‌ها در مورد خاصیت بعضی غذاها، میوه‌ها، یا داروها نظرات متفاوتی ابراز می‌شود که خواننده را گیج و متحیر می‌کند. بحث و بررسی و دقت در آن، زمان می‌برد و فرصت کافی و تلاش می‌خواهد. به قول شاعر گرانقدر:

دلا گر کنج عزلت‌ها نمی‌شد	به رویت گنج دانش وانمی‌شد
نمی‌جستی نشان از گنج پنهان	گرت در کنج عزلت‌ها نمی‌شد
اگر آسان بود پیشه علم	در عالم جاهلی پیدا نمی‌شد ^۱

۱. کلیات دیوان فدائی. غزل ۱۱۱. تهران: اندیشه رسا. ۱۳۹۳

اما رکن سوم کتاب است. کتاب منشور آموزش است. بدون آن هر چند استاد سعی و یا دانشجو تلاش کند گویی جایی که باید به آن تمسک جست و یا استاد کرد خالی است، و کار کردن بدون دستورالعمل است. از این رو نقش کتاب دقیق و صحیح در جلوگیری از بروز خطا در انجام امور بسیار مهم است. اصلاً یک معنای کتاب قانون و قانونمندی است و خود کتاب فیزیکی هم به این اعتبار کتاب نامیده شده که در آن اصول و قوانین هر علمی مندرج است و یار استاد و یاور دانشجو است.

بدیهی است پیوستگی و همگامی سه عنصر استاد، کتاب و دانشجو در تدوین کتاب خوب مؤثر است. استاد فرهیخته و تلاشگر با مطالعه عمیق خود دارای ایده‌های نو می‌شود و پرسش‌های به‌جای دانشجو نحوه نگارش را به استاد می‌آموزاند و کتاب در سطوح مختلف بنیادی، کاربردی و عملیاتی نوشته می‌شود تا مشکلات بر طبق موازین و اصول حل شود.

اینکه نگارش کتاب به گونه‌ای باشد که دانشجو را به تفکر وادارد و از حافظه‌محوری دور و به مهارت تشویق کند، علاوه بر موارد فوق‌الذکر به ماهیت رشته و تعریف آن بر می‌گردد. در علم اطلاعات و دانش‌شناسی مسئله تعریف به‌شدت مطرح و مورد مناقشه است و شاید در مواردی شدیدتر از سایر رشته‌ها باشد!

در این بین، نقد و حتی بررسی کتاب در جامعه علمی و دانشگاهی ما بسیار کم‌رنگ و کم‌طرفدار است. همه می‌خواهند بنویسند ولی دوست ندارند کارشان مورد نقد قرار گیرد. مناسبات انسانی و رودربایستی‌های صنفی این اجازه را به ناقدان نمی‌دهد و مراکز تصمیم‌گیری هم آن‌قدر در مسائل اجرائی و تفسیر قوانین دست و پاگیر غرق‌اند که وقتی برای این کار ندارند. در هر حال، بررسی چند و چون کتاب‌ها و نقد آنها از مواردی است که باید به آن اهتمام فراوان داشت.

با آنکه رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی (کتابداری و اطلاع‌رسانی سابق) به لحاظ قدمت از بسیاری از رشته‌ها قدیمی‌تر است اما به دلایلی کار نقد و بررسی کتاب‌ها در آن به تأخیر افتاده است و این بدین علت است که گاه سیطره فناوری آن‌قدر ذهن عده‌ای را مشغول می‌کند که توهم ایجاد می‌شود که نکند این رشته هم ماهیت فنی دارد. در حالی که فناوری ابزاری است که

۱. به دو کتاب مقدمه‌ای بر هویت کتابداری و اطلاع‌رسانی و مقدمه‌ای بر هویت علم اطلاعات و دانش‌شناسی از انتشارات نهاد کتابخانه‌های عمومی و چاپار مراجعه کنید.

در خدمت همه رشته‌ها است. آیا در پزشکی از فناوری کم استفاده می‌شود؟ و آیا ما مجازیم که پزشکی را رشته‌ای فنی بنامیم؟

در هر حال در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شورای نقد متون و کتب علوم انسانی، نقد و بررسی کتاب‌های این رشته یک دو سالی است که شروع شده است و در این مدت ماهی یک جلسه داشته است و بیش از ۵۰ جلد کتاب مورد بررسی قرار گرفته و بیش از ۱۵ مقاله علمی پژوهشی از آن بیرون آمده است. در این جلسات کتاب‌های درسی و احیاناً کمک‌درسی مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

کتاب خوب خیلی کم است و اشکالات عمده‌ای که تاکنون با آن مواجه بوده‌ایم، که به مقدار زیادی می‌توان آن را به مقالات هم تسری داد به قرار زیر است:

- پاره‌ای از کتاب‌ها با امضای استاد و دانشجو است. اما با بررسی‌هایی که به عمل می‌آید چنین معلوم می‌شود که بیشتر فعالیت دانشجویی است و استاد اگر نظارتی هم داشته است نظارت عامه بوده و خیلی به‌دقت آن را بررسی نکرده و برای آن وقت نگذاشته است. به‌خاطر حرمت استاد هر چند در نقد تلاش می‌شود ملاحظاتی صورت گیرد ولی در بعضی موارد اصلاً امکان چنین ملاحظاتی وجود ندارد.
- اغلب کتاب‌ها تک‌نویسنده است که البته اشکالی هم ندارد ولی اگر روح جمعی وجود داشته باشد به‌ویژه در موضوعات مشترک می‌توان از همکاری‌های علمی استفاده کرد. اگر کتاب‌ها توسط چند استاد نوشته شود به شرط آنکه وقت لازم را برای تألیف بگذارند، قطعاً کیفیت بالا می‌رود که سنت بسیار پسندیده‌ای است.
- ترجمه کتاب‌ها از زبان دیگر به‌ویژه انگلیسی است که در اغلب آنها یا ویرایش ادبی ندارند و یا ویرایش علمی نشده‌اند؛ به‌ویژه در آنجا که نویسنده وارد موضوع جانبی رشته مثل روانشناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد، فلسفه و مانند آن شده است. این مشکل در کتاب‌های تألیفی هم به وضوح دیده می‌شود. به نظر می‌رسد مؤلفان حتماً باید به دو ویرایش علمی و ادبی بها دهند و برای آن تا قبل از آنکه به دست ناشر برسد فکری کنند.
- تکرار معضل بزرگی است، و این یعنی نویسنده برای آنکه تولیدات خود را بیشتر کند و امتیاز مضاعف بگیرد مطالب مشابهی را با چند عنوان منتشر می‌کند که صورت مطلوبی

ندارد و نشان از بریدن و چسباندن (cut & paste) دارد. اتهام سرقت علمی هم به قوت خود باقی است.

- نبودن مجلات نقد علمی و ادبی یکی از نواقص حوزه نشر است. بر طبق اطلاع، فصلنامه نقد اطلاع‌رسانی و ارتباطات (کلیات کتاب ماه سابق) که توسط خانه کتاب منتشر می‌شد هم ظاهراً تعطیل شده و این فاجعه مکرر است.
- توانمندی ناشران هم یکی از موارد مهم در حوزه نشر است. اگرچه در رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی ناشر تخصصی کمتر از انگلستان یک دست وجود دارد ولی همکاری و ارتباط این ناشران می‌تواند در بهبود انتشارات کتب تأثیر به‌سزایی داشته باشد. آنها لازم است هر کتابی را چاپ نکنند و برای خود، ویراستار علمی و ادبی داشته باشند.

از کنگره چهارم متخصصان علم اطلاعات و دانش‌شناسی درخواست شد تا وقتی بگذارند تا به اختصار درباره اهمیت نقد متون رشته مطالبی به اطلاع علاقه‌مندان برسد و با آنکه از زبان دبیر محترم علمی دوبار قول پیگیری شنیده شد ولی پاسخی دریافت نکردید. آنچه بیشتر جلب توجه می‌کند این است که عنوان کنگره چهارم «آموزش» بود و این عدم توجه و یا تمایل به نقد کتاب به عنوان رکن آموزش قابل بحث است. امیدوارم که در کنگره‌های بعدی به این امر مهم یعنی کتاب و نقد آن بها دهند و جایی در این کنگره متخصصان پیش‌بینی شود.

من با آنکه کنگره متخصصان علوم اطلاعات و دانش‌شناسی را پدیده‌ای خوب می‌دانم که در آن جمع‌کثیری فعالیت می‌کنند و دستاوردهای مطلوبی هم داشته است ولی نکته‌ای در مورد نامگذاری آن می‌بینم که ناگزیر از ذکر آن هستم و امیدوارم مورد توجه قرار گیرد و آن این است که:

- با آنکه جمعی متخصص در رأس کار ممکن است وجود داشته باشد، چون کنگره طیف وسیعی در سطوح مختلف از دانشجویان کارشناسی، کارشناسی ارشد، و دکتری، کتابداران، استادان جدیدالورود و با سابقه تا برسد به بازنشستگان را شامل می‌شود اطلاق متخصص به این مجموعه کمی دور از واقعیت است.
- اینکه ما خود را به عنوان متخصص بنامیم شاید حمل بر نوعی خودستایی شود، لذا به جاست قبل از اینکه دیگران به آن اشاره کنند خود در مقام اصلاح برآییم.

- اینکه تخصص این رشته را دیگران و به‌ویژه مسئولان یا نمی‌دانند و یا به رسمیت نمی‌شناسند و این از قبل از انقلاب تا کنون همچنان جریان دارد. شاهد آن اینکه مراکز بزرگ کتابداری و کتابخانه‌ای توسط غیر کتابدار اداره می‌شود و هر از گاهی با تصمیمات غیر کارشناسانه موجب خسران‌هایی هم می‌شوند. این حوزه باید در این زمینه اقداماتی انجام دهد و با بازبینی خود و مطالبی که تدریس می‌کند بر این مشکل فائق آید.
- اینکه باید اول تخصص را تعریف کرد. من به شدت با تخصص موافقم و چندین سال قبل هم به مدیر کمیته برنامه‌ریزی علم اطلاعات و دانش‌شناسی در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (عتف) نوشتم که بیاید همه استادان باسابقه در دانشگاه‌های بزرگ کشور تقسیم کار کنید، و با استفاده از دانشجویان دکتری و کمک گرفتن از سایر حوزه‌های مرتبط، افراد متخصص موضوعی تربیت نمائید؛ آن وقت با داشتن تخصص در چنین مجموعه‌ای می‌توان ادعا کرد که متخصص داریم. من کاملاً باور دارم که در این رشته تخصص‌هایی وجود دارد مثل یادمانه‌ها (آرشیو)، اخلاق اطلاعات، مبانی معرفتی اطلاعات و دانش، مدیریت و اقتصاد اطلاعات و نظایر آن که می‌توان متخصص تربیت کرد. زیرا وقتی می‌گوئیم متخصص باید از کسانی حرف بزنیم که کارشان را دیگران نمی‌توانند انجام دهند و اگر آنها را به جامعه عرضه کنیم کاملاً خریدار داشته باشد و مقامات مسئول هم آنها را با اشتیاق بپذیرند. من با توجه به این جهات نام کنگره دانش‌آموختگان علم اطلاعات و دانش‌شناسی را پیشنهاد می‌کنم.